

ای امین بعنایت ربّ العالمین بافق مبین فائز شدی ...

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت بهاء الله - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی

- شماره ۱۷۷

هو الله تعالى شأنه العظمة و الاقتدار

ای امین بعنایت ربّ العالمین بافق مبین فائز شدی و باشراقات انوار جمال قدم در این نیر ایام موفق گشتی امر در قبضه قدرت حقّ بوده و خواهد بود بسا از نفوس را بعد از اقبال از ادنی مقام باعلی ذروه امتناع که مقرر تجلّی انوار وجه است کشاند و بافق ابهی رساند و بعضی را از اعلی علو بما اکتسبت ایدیم به پست ترین مقام مقرر دهد آنه یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید نیکو است حال نفسی که از کأس انقطاع در ایام مالک ابداع نوشید و بخلوص تمام بخدمت سلطان انام قیام نمود چنانچه مشاهده مینمائی که بعضی از افق انقطاع بشائی طالع شده اند که جز حق را مفقود و معدوم شمرده اند و از ما عندهم لما عند الله گذشته اند این نفوس اگرچه اقلّ از کبریت احمر بوده و خواهند بود و لکن در این ایام بفضل رحمانی و عنایت ربّانی معدودی مشاهده میشوند که بکمال همت در خدمت امر کمر بسته اند قدر این نفوس الیوم معلوم نه و لکن ونفسی الحقّ يجعلهم الله فی الظاهر و الباطن مرجع کلّ ذکر خیر آنه هو المقتدر القدیر

من قبل المظلوم جمیع احباب را تکبیر برسانید وصیّت مینمایم جمیع بریه را بر استقامت بر امر و دیانت و امانت که لمیزل و لایزال محبوب بوده طوبی لمن زین هیكله بمقیمص الأمانة باید کلّ باین قیص منیر فائز شوند تا جمیع من علی الأرض از عمل احبای حقّ مهتدی گردند نفس عمل خیر هادی عباد بوده چنانچه مشاهده شد که از بعضی از احبای الهیه که بعضی اعمال حسنه ظاهر بنفس آن اعمال ناس اقبال نمودند و بشاطی بحر احدیّه متوجه شدند شیئی بی راحه خلق نشده از برای کلّ اشیاء عرفی بوده و خواهد بود طوبی لنفس یتضوّع منها عرف قیص التّقدیس آنها من خیرة الخلق لدی الحقّ ان ربّک هو العلیم الخبیر نعیماً لک یا امین بما اقبلت و دخلت و حضرت و فرزت و رأیت و سمعت نداء ربّک العلیّ العظیم باید بحرارت محبت الهی در هر بلدی چنان ظاهر و مشتعل باشی که کلّ از آن حرارت بحرکت آیند و بقلوب بشطر محبوب توجه نمایند چه که سیل رجل مقطوع است بما اکتسبت ایدی الظالمین ای امین علت حرکت حرارت بوده و علت حرارت کلمه الله لذا باید احبای بنار کلمه الهیه عباد را از شمال ظنون بیین یقین کشاند و از حرارت کلمه ربّانیه چنان بحرکت آیند که از عوالم نفسیه فانیه بمعارج منیعۀ باقیه عروج نمایند ای امین اگر ناس بآداب و اخلاق ربّانیه که در الواح منزله ثبت شده عامل میگشتند هرآینه مشاهده مینمودی من علی الأرض را مقبلاً الی الله ربّک و ربّ العالمین



ORIGINAL

و مقام تقدیس و تنزیه و اقبال و قرب و لقا با امورات ظاهره منافات نداشته و نخواهد داشت در این ظهور اعظم کلّ بکسب و اقتراف و صنائع متوکلاً علی الله المهیمن القیوم مأمورند و این حکم در الواح مؤکداً نازل طوبی لمن فاز بما امر من لدن ربّه الحکیم العلیم افرح یا امین بما زیناک بقمیص الأمانة ثم احفظ هذا المقام قل لک الحمد یا اله العالمین نسأل الله ان یوقّقک فی کلّ الأحوال و یؤیّدک علی ما اراد الله ولیّ المحسنین ببعضی از بلائی این مسجون مطلع شده‌ئی بر هر ذی بصری مبرهن است که در بحر بلایا متغمّسیم و تحت ایادی ظالمین جالس چه که با احدی از اعلی العباد من اهل الظاهر و ما دونهم مداهنه در امر الله ننمودیم چنانچه از الواح منزله که برؤسای ارض ارسال شده مستفاد میشود لذا بر هر منصف بصیری واضح و معلوم است که جمیع آن نفوس سرّاً با کمال کین در قصد این ناطق مبین بوده و هستند و مع این امور در کلّ احیان ناس را بحق خوانده و میخوانیم اگر اقلّ من آن ناس در ما ظهر تفکر نمایند یقین میدانند که این امر بقدره الله ظاهر شده و بکمال سلطنت و اقتدار الهیه باهر گشته و ابداً باسایش و راحت و خلاصی خود ناظر نبوده و نخواهد بود مثل او مثل عندلیبی است که تحت مخالب ظلم گرفتار شده

ای اهل ارض بشنوید ندای این مظلوم را که خالصاً لوجه الله ندا مینماید و قدری در دنیا و حوادث و عواقب آن تفکر نمائید و هم‌چنین در ما اشرق من افق الأمر و ما ظهر فی ایّامه شاید این قدر ادراک نمائید که صاحب ندا الله میفرماید و بامر الله تکلم مینماید تا از نعاق غافلین و ظنون متوهّمین چه نفوسی که باسم حق مذکورند و چه دون آن از مقامات باقیه ممنوع و محروم نمایند این مسجون را مثل هدف مشاهده نمائید و از جمیع اطراف سهام متوالیاً متواتراً بر او میآید و لکن از عنایت الهیه تا حال محفوظ مانده و بعد الأمر بیده اتی احبّ ما احبه و ارید ما اراده و اشتاق ما قضی الله لی لأنّ ما یظهر من عنده هو محبوبی و محبوب قلبی انه خیر لی انه هو الغفور الرحیم

ای امین آنچه در حضور القا شد باید بکمال حکمت معمول داری اذا تمرّ علی البلاد قل

یا الهی و سیّدی و محبوب فؤادی و رجاء قلبی و المذكور فی ظاهری و باطنی اسألك باسمک الذی انفق نفسه فی سبیلک و حمل البلیا فی حبّک و اظهار امرک ان ترسل علی هذه الدیار نفحات قیص رحمتک و الطافک ای ربّ هؤلاء عبادک و هذه دیارک ولو انهم احتجّوا بأهوائهم و بها منعوا عن التوجّه الی شطر فضلک و الاقبال الی کعبه عرفانک و لکن انت الذی سبقت رحمتک الکائنات و احاط فضلک الممکات اسألك باسمک الباطن الذی ظهر بسلطانک و جعلته مهیماً علی من فی ارضک و سمائك ان لا تدع هؤلاء بأهوائهم انزل علیهم ما یجعلهم مقبلین الی شطر عنایتک و ناظرین الی وجهک فانظر الیهم یا الهی بلحظات رحمانیتک و خذ ایدیم بقدرتک و سلطانک اخرج یا الهی من جیب عنایتک ید قدرتک و بها اخرج الحجبات الّتی حالت بینهم و بینک لیسرعن کلّ الی شریعة قریک و یطوفن حول ارادتک و مشیتک لو تطردهم من ینخلصهم من النار یا نور السموات و الأرضین

و حسب الأمر هریک از احبّای الهی را ملاقات نمودی متوجّهاً الی هذا الشطر البتّه من قبل الحقّ امر برجوع نمائید چه که امر این ارض بسیار صعب شده و بی‌اذن هم حاصلی نخواهند برد این است حکم محکم امریه که از قلم اراده باذن مالک بریه جاری شده و البهّا علی من اتبع الحقّ و سمع ما امر به